



@VerityIran



ContactUs@VerityIran.com

دسامبر ۲۰۱۴

بودجه ۱۳۹۴ برای همه دردآور بود (به جز نیروهای امنیتی)

حالا که سر و صدا در مورد اعلامیه بودجه سال ۱۳۹۴ خوابیده ما می توانیم به بررسی این بودجه انقباضی که سعی داشته همه را وادار به ریاضت کشی کند پردازیم. ایران به احتمال بسیار دوباره رشد منفی خواهد داشت. مذاکرات هسته ای می توانند بازی را در هر دو جهت تغییر دهند. شوک وارد آمده به دلیل (سقوط) قیمت نفت باعث شده تا صنعت نفت که قادر نبوده مقدار زیادی از درآمدهای خود را به کشور بازگرداند بر این مسئله تمرکز کند. تمرکز بودجه بر مخارج دفاعی باعث مطرح شدن سئوالهایی شده.

اما باید اعتبار را به کسانی داد که لیاقت آن را دارند. با وجودی که وضعیت اقتصادی بسیار مشکل و نامشخص بود بودجه سال ۱۳۹۴ به دقت مورد توجه قرار گرفته بود. اظهار نظرهای صورت گرفته در دوران قبل از انتشار اعلامیه مربوط به بودجه حاکی از آن بود که دولت سناریوهای مختلفی را برای مذاکرات و قیمت‌های نفت در نظر گرفته بود. ما اعتقاد داریم که این پیشنهاد بر اساس سناریوهای بدبینانه تر ارائه شده بود. این پیشنهاد بر اساس نظریه ریاضت کشی اقتصادی تنظیم شده اما اقداماتی صورت گرفته که تمامی بخشهای اقتصاد مجبور به ریاضت کشی شوند. اما این شامل نیروهای امنیتی نمی شود که پولهای باد آورده ای دریافت نموده اند.

مسئولیتی که با امور مالی سر و کار دارند نگرانیهای بسیاری دارند. اما نگرانی اساسی آنها این است که چطور باید با شوک وارده ناشی از (سقوط) قیمت نفت مقابله کنند. در آخر دسامبر قیمت نفت خام برنت به کمتر از ۶۰ دلار رسیده بود (نمودار اول). بودجه سال ۱۳۹۴ بر اساس این فرضیه که قیمت هر بشکه نفت ۷۲ دلار خواهد بود تنظیم شده و بر طبق محاسبات ما پیشبینی نموده که میزان صادرات نیز نزدیک به ۱ میلیون بشکه در روز خواهد بود. امسال فرضیه این بود که قیمت نفت بشکه ای ۱۰۰ دلار خواهد بود و میزان فروش آن نیز تغییری نخواهد کرد. بنا بر این محاسبات انجام شده برای سال ۱۳۹۴ بر اساس این فرضیه تنظیم شده که درآمدها به شدت کاهش خواهند یافت. در طول تاریخ صنعت نفت برای دولت منبع درآمدهای هنگفتی بوده. فقط ۸ سال قبل صنعت نفت ۶۵ درصد درآمدهای دولت را تامین نمود (نمودار ۲). اما پیشبینی می شود که سهم آن در سال ۱۳۹۴ به ۳۱ درصد - از ۳۷ درصد که سهم آن در سال جاری بود - سقوط کند. اما این صنعت هنوز یک منبع درآمد بسیار مهم است.

از دست رفتن درآمدهای نفتی خلاء بزرگی را ایجاد نموده اما کاهش تدریجی بهای ارز باعث شده که تا حدی این خلاء پر شود. این نوع شگردهای حسابداری بهای ریالی صادرات نفتی را که به دلار محاسبه می شوند افزایش خواهد داد. نرخ تبادل ارز که ۲۸۵۰۰ ریال/دلار برای سال ۱۳۹۴ می باشد به معنی کاهش ۸٫۶ درصدی نرخ ارز از میانگین آن در سال ۱۳۹۳ می باشد. از ماه ژوئیه مسئولین که انتظار به وجود آمدن چنین وضعیتی را داشتند اجازه دادند که نرخ ریال به تدریج کاهش یابد (نمودار سوم). به علاوه دولت سعی داشته تا این خلاء را از طریق اخذ مالیات پر کند و این کار را با افزایش ۲ درصدی مالیات بر ارزش افزوده از ۸ درصد به ۱۰ درصد انجام داده

در واقع مسئولین امور مالی در ایران با وضعیت پیچیده درآمدهای نفتی روبرو شده اند. ما می دانیم که در سه سال گذشته درآمدهای حاصله از صادرات نفت در خارج از کشور انباشته شده اند. بنا براین در کوتاه مدت کاهش قیمت (نفت) بر منابع مالی دولت اثر چندانی نخواهد داشت. قرارداد موقتی انعقاد شده در مذاکرات هسته ای مشخص نموده که ایران چه میزان از درآمدهای ارز خارجی خود را می تواند به کشور بازگرداند و این مبلغ تغییری ننموده. به علاوه ایران به اندازه کافی ظرفیت اضافی در معاملات خود با کشورهایی که نفت آن را می خرند در اختیار دارد تا بتواند آثار



@VerityIran



ContactUs@VerityIran.com

سوء کاهش قیمت نفت بر معاملات پایاپای را کاهش دهد. اما این وضعیت مستقیماً بر فروش غیر قانونی نفت خام و فرآورده های نفتی اثر خواهد گذاشت. صادر کنندگان ایرانی کماکان مفادیری را خارج از مکانیسم تحریمها به فروش رسانده اند. منابع ما عقیده دارند که این مبلغ بسیار کمتر از ۱ میلیون بشکه ای است که از طریق کانالهای معمولی به فروش می رسد. اما به هر صورت این هنوز یک منبع بسیار مهم پول نقد می باشد. محاسبات ما حاکی از آن است که اگر قیمت (نفت) کماکان پائین بماند خسارات وارده میلیاردها دلار در سال خواهد بود.

به هر صورت تناثر شوک بزرگ نفتی به دولت بهانه ای داده تا بتواند تصمیمات حساسی را در مورد بودجه بگیرد. حقوق کارمندان بخش دولتی کاهش یافته و مالیات اخذ شده بر کالاهای مصرفی افزایش یافته. یارانه ها حذف شده اند و مبالغ پرداخت شده توسط نهادهای تامین اجتماعی ثابت مانده اند و این شامل مسئله بحث انگیز پرداخت پول نقد برای رفع خسارات نیز می شود. تمامی این اقدامات درد و رنج خانوارهای متوسط ایرانی را که سالهاست ریاضت می کشند باز هم افزایش می دهند. تبلیغات زیادی در مورد افزایش ۴ درصدی کل مخارج صورت گرفته اما وقتی که اثر تورم در نظر گرفته شود می بینیم که مخارج در واقع کاهش یافته اند. به علاوه بودجه سال مالی کنونی نیز بر اساس طرح ریاضت کشی اقتصادی تنظیم شده. از نظر ما میزان واقعی مخارج در بودجه سال ۱۳۹۴ ۸ تا ۱۰ درصد کاهش یافته و این مسئله بیشتر شامل حال شرکتهای بزرگ دولتی و بودجه بانکها می شود.

بودجه بر اساس طرح ریاضت کشی اقتصادی و فشار بر همه اقشار تهیه شده اما دولت روحانی بودجه نیروهای نظامی و امنیتی را به شدت و به میزان ۳۲,۵ درصد افزایش داده. نمودار چهارم نشان می دهد که مخارج نظامی بیشترین سهم بودجه را به خود اختصاص داده اند و سهم آنها بیشتر از وزارتخانه های کلیدی آموزش و پرورش و امور اجتماعی و بهداشت می باشد. نمودار پنجم جزئیات این مخارج را بیشتر توضیح می دهد. بودجه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بیش از بودجه دیگران افزایش یافته و ۵۰ درصد افزایش داشته. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بخشهای دیگر ساختار دفاعی را تحت الشعاع قرار داده. اقتصاددانان ما متخصص سیاست دفاعی ایران یا چالشهای راهبردی و امنیتی فراروی ایران نیستند. اما انتقال حجم زیادی از منابع به نهادی که به فساد سوء شهرت دارد در زمانی که همه با کمبود منابع مواجه هستند باعث مطرح شدن سئوالبهایی خواهد شد. برخی از صاحب نظران اظهار داشته اند که این حرکت روحانی با هدف اولویت دادن به مسائل امنیتی و حفظ رژیم صورت گرفته و در نتیجه مسئله بهبود وضعیت اقتصادی برای روحانی اولویت کمتری داشته. این عمل روحانی به معنی بیمه نمودن رژیم در صورت افزایش تنشهای ناشی از بر هم خوردن مذاکرات می باشد.

آشکار است آنچه که در بحثهای دولت در مورد بودجه ۱۳۹۴ مورد توجه قرار نگرفته میزان کسری بودجه و نحوه پرداخت آن می باشد. البته مسئولین نمی خواهند بیش از اندازه وارد جزئیات مسئله شوند چرا که وضعیت درآمدهای نفتی و مالیاتی در این مدت بسیار نامشخص خواهد بود. اما باید برنامه ای برای پرداخت مخارج وجود داشته باشد. فرضیه های کنونی بر اساس این تنظیم شده اند که در بودجه ۱۳۹۴ دولت با کسری بودجه بسیار زیادی مواجه خواهد شد. این کسری بودجه به ویژه در مورد پولهای نقد محسوس خواهد بود چرا که بسیاری از سرمایه های دولت در خارج از کشور مسدود شده اند. این به معنی آن است که دولت باید از بانک مرکزی وامهای زیادی بگیرد. به علاوه بالا رفتن مالیات بر ارزش افزوده و حذف یارانه های سوخت و مواد غذایی و کاهش ارزش ریال باعث افزایش تورم خواهد شد و احتمالاً ادعای مهم دولت در مورد حل مسئله تورم اعتبار خود را از دست خواهد داد.

به طور کلی این یک بودجه انقباضی است که برای دوران نابسامان کنونی تنظیم شده. اگر مذاکرات هسته ای نتیجه مثبتی نداشته باشد ما انتظار داریم که اقتصاد دوباره رشد منفی داشته باشد. نظر به این که چالشهای متعددی در بخش مالی وجود دارد ما انتظار داریم که نرخ تورم نیز دوباره بالا رود. این بودجه میزان تقاضا در بخشهای مختلف را کاهش خواهد داد: مخارج دولت کاهش خواهد یافت و حقوق خانوارها نیز کاهش خواهد یافت و این مسئله بر مصرف نیز اثر منفی خواهد گذاشت و به معنی اخذ مالیات بر کالاهای مصرفی خواهد بود. فرضیه های ارائه شده در مورد میزان مخارج دارای ریسکهای بسیاری نیز می باشند: قیمت نفت ممکن باز هم کاهش یابد و درآمدهای مالیاتی ممکن است از حد مورد نظر کمتر در باشد. ممکن است یک بحران بانکی اتفاق بیافتد و ریال دوباره تحت فشار قرار گیرد. ریسکهای دیگری نیز وجود دارد. نمودار ۶ پیشبینی ما را مورد تولید ناخالص داخلی تا سال ۱۳۹۵ که مورد تجدید نظر قرار گرفته و بر اساس سناریوی پیشبینی شده میانگین تهیه شده را نشان می دهد.

در تحولاتی دیگر بانک مرکزی سعی داشته تا نرخ بهره های بانکی را مستحکم کند و این کار را با افزایش ۲ درصدی نرخ پس انداز کوتاه مدت انجام داده. نرخ رسمی تورم کنونی ۱۷ درصد اعلام شده. این وضعیت به معنی به وجود آمدن یک نرخ مثبت واقعی بهره (نرخ بهره بیش از نرخ تورم می باشد) برای اولین بار در چند سال گذشته می باشد. این باعث تشویق پس انداز کنندگان و به معنی تلاش برای کاهش دادن نرخ رشد نقدینگی و حمایت از نظام بانکی نیز می باشد. ما در گزارش خود در ماه گذشته گفتیم که تعداد وامهای بدون بازده به حدی زیاد است که اکثر بانکها با تهدید کم پولی مواجه شده اند. مشاور ارشد روحانی ترکان اظهار داشته که این به معنی یک، ورشکستگی پنهان، می باشد و این اظهار نظر وی



حاکمی از آن است که اکثر بانکها در ایران فقط به دلیل کمکهای دریافتی از بانک مرکزی توانسته اند به کار خود ادامه دهند. این یک قدم کوچک ولی مثبت برای مصون داشتن این بخش از ریسکهایی می باشد که ممکن است در آینده با آن مواجه شود.

و بالاخره حرکت وزارت خزانه داری ایالات متحده آمریکا برای تهیه فهرست جدید ۳ موسسه و ۶ فرد ایرانی که باید مورد تحریم قرار گیرند تیم اقتصادی روحانی را دوباره به یاد این مسئله می اندازد که مذاکرات هسته ای بسیار مهم میباشد.

مقامات وزارت خزانه داری ایالات متحده آمریکا تاکید کرده اند که آنها تا زمانی که مذاکرات هسته ای ادامه داشته باشد کماکان به اصل خودداری از اجرای تحریمهای جدید پایبند خواهند ماند و این اقدامات فقط در راستای اجرای تحریمهای فعلی می باشند (در رابطه با تلاش برای دور زدن محدودیتهای مالی و نقض حقوق بشر). اما با آغاز سال سیاسی جدید در ایالات متحده آمریکا کنگره جدید که جمهوریخواهان بر آن مسلط هستند به وضوح اظهار داشته که می خواهد فشار بر مذاکره کنندگان ایرانی را افزایش دهد. تهدید وتوی رئیس جمهور در کنگره ای که فقط به ۱۲ رای اعضای حزب دموکرات برای به دست آوردن دو سوم اکثریت و رای که، غیر قابل وتو، باشد نیاز دارد که خیلی کمتر قابل اطمینان می باشد. به دهند. زمان علاوه بسیاری از تندروها در ایالات متحده آمریکا می خواهند تا چنین اکثریتی را به دست آورند تا فشار بر جمهوری اسلامی را افزایش دارد به سرعت سیری می شود و حسن نیت ایالات متحده آمریکا در مورد مذاکرات هسته ای نیز دارد به پایان می رسد. دور بعدی مذاکرات در ۱۵ ژانویه شروع خواهد شد.

Fig 1. Brent Crude oil price (closing)

US\$ per barrel

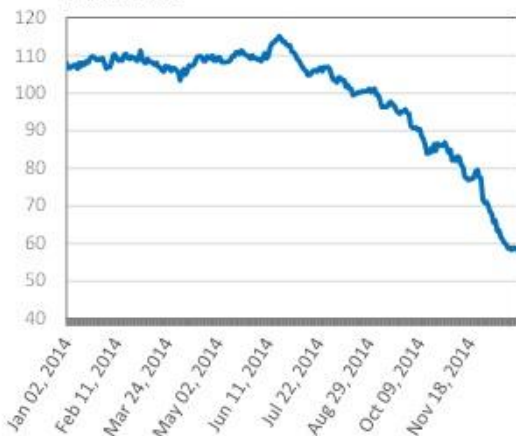


Fig 2. Oil share of government revenues

% of all revenues

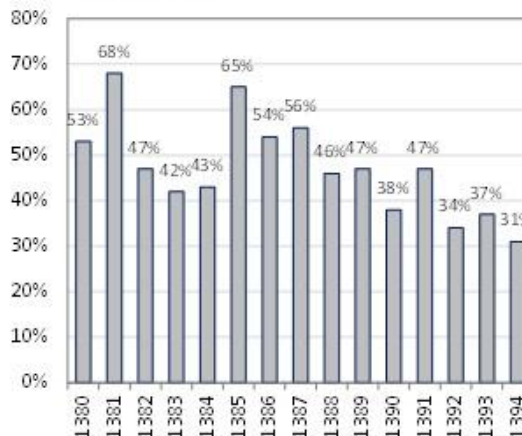


Fig 3. Rial/USD official exchange rate

01 July 2014 to 30 December 2014

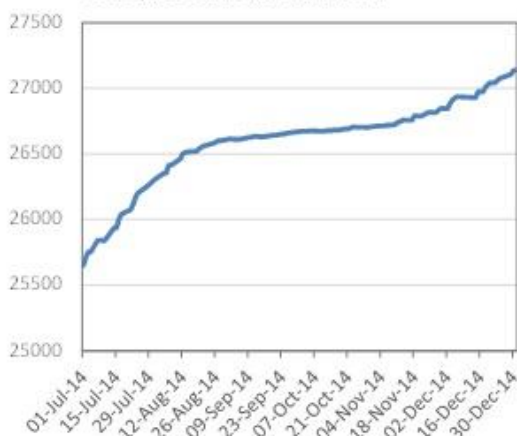


Fig 4. Ministerial budget allocation

Bn Tomans

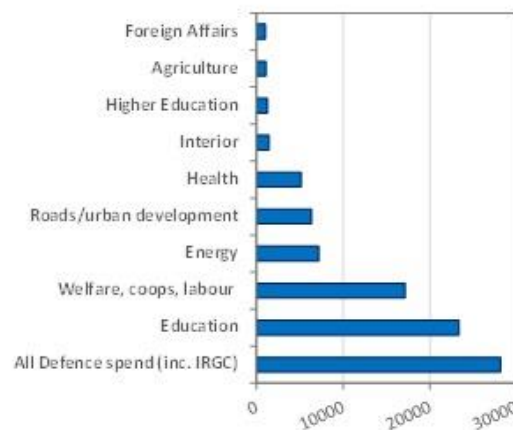


Fig 5. Defense expenditure
Bn Tomans

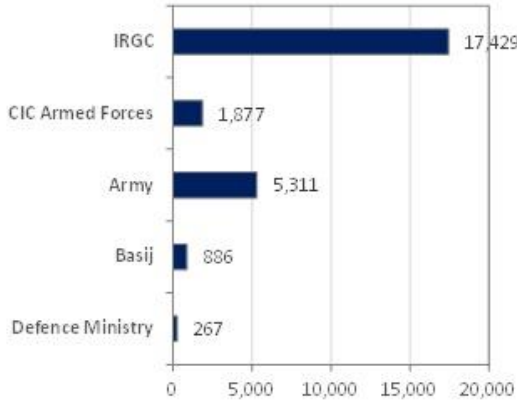


Fig 6. VerityIran GDP Growth forecast
(% y-o-y real GDP growth)

